



امید

شماره ۴

نشریه بازنشستگان فلز کار-مکانیک

زمستان ۱۳۹۸

چرا بازنشستگان فلز کار مکانیک با سیاستهای نولیبرالی مخالفند؟

زمانی که کشوری در حال رشد مانند کشور ما دست به اقداماتی همچون ملی کردن بانکها، صنایع، بازرگانی خارجی، زمین و غیره می‌زند و تلاش می‌کند دستمزد کارگران بهبود یافته و کشور از زنجیره اقتصادی سرمایه داری بیرون بیاید، کشورهای امپریالیستی و کارگزارانشان - یعنی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی - سرمایه گذاری در آن کشور را متوقف کرده، دست به تحریم خرید محصولاتش می‌زنند و از فروش هرگونه تکنولوژی، غذا و دارو خودداری کرده و کلیه ذخایر ارزی که در بانک‌های کشورهای خارجی دارد را بلوکه می‌کنند تا پولی برای خرید و بازسازی کشور نداشته باشند.

با اعمال تحریم، عدم سرمایه گذاری و بلوکه کردن ذخایر ارزی کشورها آنها را وادار به تسلیم در مقابل کشورهای امپریالیستی و اجرای دستورات صندوق بین المللی پول می‌کنند، که به آن «بهره کشی نو استعماری» و یا «نولیبرالیسم» می‌گویند.

پس از جنگ با عراق و از سال ۱۳۶۸ رویکرد مجموعه حاکمیت ایران بر این قرار گرفت تا خود را از تحریم‌های اعمال شده نجات دهند به همین دلیل با سازمان تجارت جهانی تماس گرفته و برای رفع تحریم‌ها قبول نمودند دستورات صندوق بین المللی پول را جهت گرفتن وام اجرا کنند تا سرمایه گذاری انجام گیرد و تحریم‌ها شکسته شوند.

بقیه در صفحه ۳

تمامی مزدبگیران بیمه شده از سطح خدمات درمانی ارائه شده توسط صندوق‌های بیمه‌ای خود ناراضی هستند.

کارگران که ماهانه «نه / بیست و هفتم» از حق بیمه آنها بابت درمان کسر می‌شود و همچنین بازنشستگانی که علاوه بر این پرداخت در دوران اشتغال، ۲ درصد از مستمری ماهانه‌ی خود را نیز به صورت علیحده برای درمان می‌پردازند، خدمات ارائه شده توسط «بیمه پایه» را غیرمکفی و ناکارآمد می‌دانند. این ناکارآمدی بیمه پایه، عاملی است که همه‌ی مزدبگیران، چه کارمندان دولت، چه کارگران و بازنشستگان را «مجبور» کرده است علاوه بر پرداخت حق بیمه اجباری، مبالغی هنگفت بابت بیمه‌های تکمیلی بپردازند.

متوسط هزینه‌ی بیمه‌های تکمیلی برای هر فرد بیمه شده، ماهی ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان است؛ با این حساب، یک خانوار متوسط ۳ یا ۴ نفره مجبور است ماهانه حدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ هزار تومان بابت بیمه تکمیلی بپردازد؛ این درحالیست که اگر مزدبگیران از دریافت بیمه تکمیلی انصراف دهند، از دریافت خدمات درمانی کلینیکی و پاراکلینیکی بسیاری محروم می‌مانند.

زمستان پوستین افزود بر تن کدخدایان را

ولیکن پوست خواهد کند ما یک لا قبایان را «شهریار»

حق ایجاد و به رسمیت شناختن هرگونه تشکل مستقل، تجمع، تحصن و اعتصاب

بازنشستگی در آلمان

عمومی و نیز قانونی که متعاقب این اعتراض وضع شد، کاهش این مستمری ها را برای مدت تقریباً نامعلومی به تعویق انداخت.

به منظور دریافت مستمری بازنشستگی و کپولت باید سن شما به حداقل مشخصی رسیده باشد و حداقل برای مدت معینی (معمولاً ۵ سال) حق بیمه پرداخت کرده باشید. سن عادی بازنشستگی (یعنی سنی که در آن می توانید با دریافت مستمری کامل بازنشسته شوید) برای بیشتر مشاغل ۶۵ سال خواهد بود. تحت برخی شرایط خاص، زنان، معدنچیان و نیز کسانی که تحت پوشش برنامه های بیکاری و معلولیت قرار دارند، می توانند در سن ۶۰ و یا ۶۳ سالگی با دریافت مزایای کامل، بازنشسته شوند. گفتنی است که اشخاصی که به معلولیت های ناشی از کار و یا بیماری های شغلی مبتلا شده اند، از شرایط ویژه بهره مند می شوند.

می توان از ۶۰ یا ۶۳ سالگی بازنشستگی زودتر از موعد با مستمری کمتر درخواست کرد. برای مستمری بگیریانی که مایلند از بازنشستگی نسبی استفاده کنند تا بتوانند پس از بازنشستگی به کار پاره وقت ادامه دهند نیز تمهیداتی در نظر گرفته شده است.

طرح بیمه بازنشستگی، در صورت فوت فرد بیمه شده، به بازماندگان او نیز مستمری پرداخت می کند و نیز در صورت بیماری طولانی مدت، بروز صدمات جسمانی یا دیگر اشکال معلولیت در شخص بیمه شده و به منظور جبران کاهش درآمد او مستمری نسبی به وی پرداخت می شود.

**حق تأمین آتیه دارند
زحمتمکشانی که
مولد ثروت ها هستند.**

بیمه بازنشستگی، طرح تأمین اجتماعی دولت آلمان است که مستمری کهنسالی، از کارافتادگی و فوت را برای بازنشستگان خانواده ها و بازمانده های آنها در بر می گیرد.

تقریباً تمامی کارمندان، کارآموزان و افرادی که در کارگاه های حمایتی به کار مشغولند و نیز کسانی که خدمات نظامی و غیر نظامی انجام می دهند، به صندوق بازنشستگی دولت، حق بیمه اجباری پرداخت می کنند.

بیشتر افرادی که به کار آزاد نیز اشتغال دارند به این صندوق، حق بیمه می پردازند؛ اگر چه مشاغلی که دارای برنامه رفاه اجتماعی مخصوص به خود می باشند می توانند به طرق دیگری بیمه شوند. هنگامی که بیمه هستید و یا از دیگر اشکال مستمری جایگزین درآمد استفاده می کنید نیز تحت پوشش بیمه بازنشستگی قرار دارید؛ ولی در این حالت حق بیمه شما را سازمان تأمین اجتماعی می پردازد.

والدینی که از مرخصی پس از تولد نوزاد استفاده می کنند نیز طی مدتی که سر کار نیستند، بدون آنکه حق بیمه پردازند به طور خودکار تحت پوشش بیمه قرار می گیرند.

پس از اتحاد دوباره آلمان، نظام بیمه از کار افتادگی تحت فشار شدیدی قرار گرفت. این امر از یک سو ناشی از نرخ بالای بیکاری در آلمان (به ویژه در بخش شرقی آن) و از سوی دیگر به دلیل تغییر ساختار سنی جمعیت آلمان بوده است. قانون اصلاح نظام بیمه از کار افتادگی مصوب سال ۱۹۹۹، سعی بر آن داشت که برای برخی از گروه های مستمری بگیر، میزان مستمری دریافتی و نیز شاخص تخصیص مستمری را کاهش دهد؛ اما اعتراض

بقیه چرا بازنشستگان فلز کار مکانیک ...

بسیاری از کشورها برای فعال کردن اقتصاد خود، به تشویق سرمایه گذاران خارجی می‌پردازند و درخواست وام از صندوق بین‌المللی پول می‌کنند. صندوق بین‌المللی پول برای دادن وام و یا اجازه سرمایه گذاری دستوراتی دارد که باید کشور وام گیرنده آن را اجرا کند که مهم ترین آنها از این قرارند:

۱- ارزان نمودن نیروی کار یعنی دستمزدی در حد بخور و

نمیر

۲- کم ارزش کردن پول ملی در مقابل دلار

۳- حذف سوبسیدها در زمینه آموزش، درمان، غذا

۴- خصوصی سازی و باز گذاشتن دست سرمایه داران

داخلی برای غارت اموال عمومی

۵- واردات بی رویه

۶- تک محصولی کردن صادرات کشور

با اجرای این دستورات سفره‌های مزد بگیران هر روز کوچکتر شده و قدرت خریدشان را از دست می‌دهند. صنایع ملی نابود می‌شود و ارتشی از بیکاران شکل می‌گیرد.

معرفی کانال تلگرام دانش و کارگر

کارگران و بازنشستگان، بعنوان قشری تاثیرگذار و مکمل در عرصه تولید و اقتصاد کشور، بایستی نسبت به قوانین کار و تامین اجتماعی آشنایی داشته باشند و همچنین در عرصه بین‌المللی نیز با قوانین سازمان بین‌المللی کار و مقاله نامه های آن سازمان آشنایی پیدا کنند.

فرا گرفتن این قوانین، نقش مهم و بسزایی در جهت احقاق حقوق حقه ی کارگران خواهد داشت. لذا این امر، جز با مطالعه و افزایش آگاهی، کسب نخواهد شد.

کانال تلگرامی دانش و کارگر، در حد وسع و توان خود، سعی بر این دارد که مزدبگیران و زحمتکشان کشور را با این قوانین آشنا کند.

آدرس کانال : @Knowledge_N_Worker

با «قانون نظام ساختار جامع رفاه و تأمین اجتماعی»

آشنا شویم.

یکی از منابع تأمین عمده‌ی معاش، سلامت، بهداشت، بازنشستگی و از کار افتادگی مزدبگیران کشورها، صندوق های تأمین اجتماعی هستند. با توجه به اینکه این بنگاه ها بین نسلی و فراگیر می باشند، اجازه ی فعالیت های اقتصادی دارند تا بتوانند ضمن پرداخت مرتب مستمری ها و هزینه‌های درمان ، توان اداره ی امور روزمره و حفاظت از اندوخته های اعضا را نیز داشته باشند.

اینجاست که این صندوق‌ها، اعم از لشکری، کشوری و کارگری، مورد نظر بسیاری از تشکیلات باندهای تبهکار واقع می شوند، و چه بسا با نصب مدیران غافل یا قاصر، معاملات زیان بخشی را تحمیل و سرمایه‌ی صندوق‌ها را به تاراج می برند. از اینرو در سال ۱۳۸۲ نمایندگان دغدغه مند مجلس شورای اسلامی، «قانون ساختار جامع رفاه و تأمین اجتماعی» را تصویب کردند.

مکانیسم این قانون کنترل مالی و تطبیق ورودی و خروجی های صندوق ها می باشد. روش قانون هم اینست که از جهت صیانت از اندوخته های استراتژیک بین نسلی، حسابداری و حسابرسی دولتی باشد. ماده ۱۴ این قانون می گوید که هیأتی از وزیران مرتبط (دفاع، کشور، کار، صنعت و...) تکلیف نظارت بر حسن اداره ی امور صندوق‌ها را دارند.

سوال این است: چرا تاکنون اجرای قانونی که مجلس و شورای نگهبان تصویب کرده اند و رییس جمهور وقت در سوم خرداد

۱۳۸۳ جهت اجرا به دولت ابلاغ کرده ، به تعویق افتاده است؟ چه کسانی هستند که منابع این صندوق ها را در تصرف دارند و از اجرای قانون مصوب شورای نگهبان، مجلس و دولت سرپیچی می‌کنند؟ ضرر و زیان ناشی از عدم اجرای قانون بعددهی کدام اشخاص و افراد - اعم از حقیقی و حقوقی - است؟ و چگونه جبران خواهد شد؟

من چه می خواهم؟

من از این جا چه می خواهم؟

می دانم. می دانم.

نان و کار و داد می خواهم

می دانم. می دانم.

حرمت این مردم و

آسمان آبی و دلباز می خواهم

می دانم. می دانم.

تا نیاید شب در خانه ام،

خورشید عالم تاب می خواهم

می دانم. می دانم.

در ره کسب این خواست ها

پنجره ای رو به خیابان

فریادی از گلو

یک هم قدم

یک همراه

یک هم صدا می خواهم.

می دانم، می دانم،

من چه می خواهم.

«محمود - معلم بازنشسته»

اختلاف طبقاتی و حق سرپناه

گران ترین_خانه معامله شده در آبان امسال، **متری ۷۲ میلیون تومان** بوده است.

یعنی خانه ۲۰۰ متری، **۱۴ میلیارد** و خانه ۵۰۰ متری، **۳۶ میلیارد تومان!**

یعنی یک کارگر با حداقل دستمزد، برای خانه اول **۵۸۳ سال** و برای دومی **۱۵۰۰ سال** باید همه مزدش را پس انداز کند!

این یعنی فاجعه!

دو بینی

کارگر جوان زحمتکشی همراه همسرش منتظر تولد اولین فرزندشان بودند. بعد از مدتی این موجود کوچک پا به دنیا می گذارد. در معاینات پزشکی معلوم می شود که فرزند آنها باصطلاح لوچ یا دو بین است و در واقع انحراف دید دارد و همه چیز را دوتا می بیند. از آن روز کارگر جوان دیگر دستش به کار نمی رود. سرد، بی حوصله و گوشه گیر می شود. اشتباهاتش در انجام امور محوله و وظایفش زیاد می گردد، تا اینکه کارفرما با او برخورد کرده و علت این بی حوصله گی را می پرسد. کارگر جوان دلیل مشکلاتش روحی و عصبی را که تولد فرزندش با انحراف دید است، می گوید. از کارفرمایش جواب می گیرد که: «خب؛ اینکه کار خدا و طبیعت است و کاری نمی توان کرد. اتفاقاً من هم یک همچین بچه ای با چند سال سن دارم». کارگر جوان در پاسخ می گوید: «ولی قربان یک اختلاف اساسی هست، بچه شما این همه خوشحالی و خوشبختی را دوتا دیده، ولی بچه من این همه بدبختی و نداری را دوتا می بیند».

برداشت آزاد از دل نوشته کارو شاعر هم وطن ارمنی